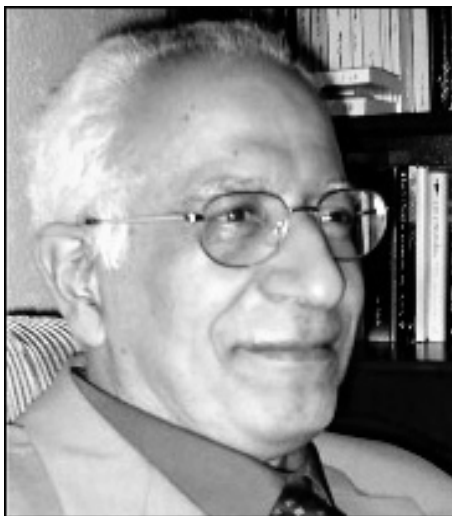


سنگسار: تعمدي در ضعيف كشي

دکتر حسين باقرزاده

سه شنبه ۲۴ دی ۱۳۸۷ - ۱۳ ژانويه ۲۰۰۹ hbzadeh@btinternet.com



توانا تر است بتواند از مجازات فرار کند، و هر که پير و ضعيف و آهسته و معلول و ناتوان است محکوم به شکنجه تا مرگ شود؟ آیا به این وسیله فرار است دیگران «عبرت» بگیرند - و چه عبرتی؟ «برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی، که در نظام جمهوری اسلامی ضعيف پامال است»؟ و آیا این است مفهوم «عدالت» در این نظام مقدس جمهوری اسلامی؟ عدالتی که تیغ شمشیرش را بیشتر بر ناتوانان و معلولان و ضعيفان وارد می کند و رسماً قانون می گذراند که توانایان را از مجازات فراری دهد و ناتوانان را محکوم به مرگ کند؟

عدالت قضایی نظام مقدس جمهوری اسلامی البته به این جا خاتمه نمی یابد. چرا که دقیقاً براساس همان فلسفه ضعيف كشي، قانون گذار مقرر کرده است که به هنگام سنگسار مردان را تا کمر در خاک کنند و زنان را تا سینه. نتیجه از پیش معلوم است: مردی که تا کمر در خاک رفته اگر جوان و قوی و چابک باشد شاید بتواند همانند محمود در سنگسار اخير با سر و تن خونين خود را از زیر خاک بیرون بکشد و راه به فرار بگذارد. ولی از زنی که تا سینه در خاک فرو رفته، هر چند هم جوان و قوی و چابک، در زیر باران سنگ چه انتظاری می توان داشت؟ جمهوری اسلامی که در حیات زنان دست و پای آنان را با حجاب اجباری و انواع قوانین تبعيض آمیز در خانه و خیابان و درون خانواده و اجتماع بسته و قدرت عمل آنان را به زنجير كشيده است در لحظه مرگ با سنگسار نیز دست و پای آنان را می بندد تا کوچکترین امکان فرار از مرگ برای آنان باقی نماند. و الا چه ضرورت اجرایی ایجاب کرده است که زن را به هنگام سنگسار تا سینه در خاک کنند و مرد را تا کمر؟ آیا تعمدي در ضعيف كشي از این واضح تر و فاحش تر؟

سنگسار مجازاتی خشن و نانسانی برای جرم هایی است که اصلاً نباید جرم شناخته شوند. این حکم مانند بسیاری ديگر از قوانین جزایی جمهوری اسلامی فاقد منطق قضایی و جرم شناسی است. وجود این مجازات در قانون و اجرای آن لکه ننگی برای نظام جمهوری اسلامی و مایه شرمندگی ایرانیان در سراسر جهان است. بی عدالتی فاحش و ضعيف كشي از خصوصيات برجسته این مجازات است. قوه قضاییه جمهوری اسلامی با اعلام قطع یا توقف این مجازات و سپس اجرای آن در این یا آن نقطه کشور، دوگانگی و دورویی این قوه و نظام جمهوری اسلامی را به نمایش می گذارد. این مجازات، همراه با مجازات های خشن و نانسانی ديگر به شمول اعدام، باید هرچه زودتر قطع شود.

در غير این صورت، مقامات جمهوری اسلامی با اجرای سنگسار و مجازات هایی از این قبیل که در میثاق های بین المللی منع شده و ایران به آنها متعهد است، مرتکب جرم شده اند و باید روزی پاسخگو باشند. سنگسار را قطع کنید.

یک سؤال باقی است. تمامی احکام اعدام برای اجرا باید از زیر نظر آقای شاهرودی بگذرد و او حکم را امضا کند. سنگسار هم نوعی اعدام است. از این رو، این احکام نباید بدون امضای آقای شاهرودی اجرا شود. پس چگونه است؟ آیا برخلاف قانون، این قاضیان بدون اجازه رئیس خود دست به سنگسار می زنند؟ یا این که آقای شاهرودی هر دو کار را می کند: هم بخشنامه صادر می کند که سنگسار نکنید، و هم خود پای حکم سنگسار را امضا می کند؟ این احتمال دوم ظاهراً بیشتر است - کاری که آقای شاهرودی عیناً در مورد بزهکاران خردسال (یک عمل خلاف تعهدات بین المللی ديگر ایران) نیز ظاهراً انجام داده است.

۵- نحوه اجرای سنگسار نیز، هم نمونه بارزی از عدالت در نظام جزایی جمهوری اسلامی ایران است و هم منطق جزایی معوج دیگری را به نمایش می گذارد. براساس قوانین جمهوری اسلامی اگر محکوم به سنگسار در حین اجرای حکم توانست خود را از زیر خاک بیرون بکشد و از دست سنگسار کنندگان بگریزد از مجازات معاف خواهد شد. با این حکم، معلوم نیست فلسفه سنگسار و مجازات و عبرت و سایر ادعاهایی که درباره لزوم این مجازات می شود کجا می رود. از این مسئله می گذریم. ولی در کجای دنیا اگر مجرمی موقع اجرای حکم توانست فرار کند از مجازات معاف می شود؟ و مگر نه این که به عکس، در این صورت همه امکانات بسیج می شود تا مجرم را دوباره به چنگ آورند و احياناً به خاطر این فرار مجازات جدیدی برای او صادر کنند؟ آخر اگر کسی جرمی مرتکب شده است باید مجازات شود و نه این که به خاطر فرار از مجازات ناز شست بگیرد. چرا در جمهوری اسلامی کارها بر خلاف اوليه ترین قواعد منطق صورت می گیرد؟

ديگر این که مگر قانون و جزا از مقوله مسابقه زور و بازو و توانایی جسمی است که هر که جواتر و قویتر و چابکتر و

جنسی شهروندان از مسایل خصوصی آنان است و مسایل آن در حوزه حقوق مدنی قرار می گیرد و نه حقوق جزایی. این نرم در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان به کار می رود. تنها در جمهوری اسلامی (و معدودی ديگر از کشورهای اسلامی) است که حکومت در روابط جنسی شهروندان دخالت می کند و صفت جنایی را بر برخی از این روابط بار می کند. این کار به نفس و صرف نظر از مجازاتی که برای آن به کار گرفته می شود، تجاوز صریح به حریم خصوصی شهروندان بشمار می رود. یعنی که حکومت حق ندارد زنا را (عادی یا محصنه) جرم بشناسد، چه برسد که برای آن مجازات سنگین و وحشیانه مرگ به وسیله سنگسار را به کار گیرد.

۳- حکومت ایران در کاربرد علنی یا اعلام رسمی مجازات ها و به خصوص مجازات مرگ اصرار می ورزد. منطق حکومت در این مورد، خصوصیت «عبرت آموزی» این مجازات ها است. یعنی حکومت این مجازات های خشن را اصولاً بر این اساس توجیه می کند که باعث عبرت دیگران می شوند. در این مورد، متخصصان جرم شناسی و جامعه شناسی نظر دیگری دارند و مطالعات تجربی نیز نتایج دیگری به دست داده که در این جا مورد بحث ما نیست. ولی اگر حکومت مدعی است که این مجازات ها عبرت انگیز است چرا آنها را در خفا انجام می دهد و از اعلام رسمی آنها خودداری می کند؟ حکومت چگونه به خود حق می دهد که از یک سو به عنوان عبرت دادن به دیگران به کشتن آدم دست بزند آنها را با این طرز فجیعی و از سوی ديگر آن را در خفا انجام دهد؟

در پشت این مخفی کاری ظاهراً منطق معوجی خوابیده است که توضیح آن را می توان در متن جدید قانون مجازات اسلامی پیدا کرد. در آنجا گفته شده است که اگر اجرای سنگسار «مفسده» داشته باشد، می توان آن را به قتل یا شلاق تبدیل کرد. عبارت مفسده ظاهراً در این جا به معنای واکنش نامطلوب افکار عمومی گرفته شده است. یعنی اگر اجرای حکم سنگسار واکنش های منفی نسبت به حکومت (به خصوص) در سطح جهانی ایجاد کند، می توان از اجرای آن گذشت. از این امر می گذریم که در این صورت استدلال «عبرت دادن» به دیگران کجا می رود. ولی همین امر ظاهراً مقامات مشهد را به این صرافت انداخته است که مخفیانه به سنگسار دست بزنند. سنگسار علنی یا اعلام شده مفسده دارد، پس آن را مخفی انجام می دهیم. سنگسار می کنیم که «دیگران» عبرت بگیرند، ولی مخفی انجام می دهیم که «دیگران» نفهمند (مبادا مفسده داشته باشد). این منطق معوج را فقط می توان در قاموس حکومتی یافت که در کشتن انسان ها به هر بهانه ای کمترین تردیدی به خود راه نمی دهد.

۴- رئیس قوه قضاییه برای توقف اجرای حکم سنگسار تاکنون دست کم دوازده بخشنامه صادر کرده است. در عین حال، علی رغم این بخشنامه ها سنگسار در ایران ادامه یافته است. آقای جمشیدی می گوید که قاضیان «استقلال» دارند و خط رئیس کل خود را نمی خوانند. ظاهراً این استقلال فقط در کشتن و بستن و شلاق و سنگسار و دست بردن و از این قبیل مسایل است. ولی در این جا نیز جای

در روزهای اخير خبر سنگسار سه نفر که در هفته اول دی ماه در گورستان بهشت رضا در مشهد انجام شده منتشر گردیده است. این سنگسارها به صورت مخفی و بدون اطلاع قبلی انجام شده و سپس خبرهای آن به بیرون درز کرده است. یکی از محکومان که گفته شده مردی افغانی به نام محمود بوده در عین این که به شدت زخمی شده بود توانسته است خود را از زیر خاک بیرون بکشد و از صحنه فرار کند، و به این وسیله از مرگ نجات یابد. دو نفر ديگر زیر ضربات باران سنگ جان باخته اند. خبر امروز (سه شنبه) در مصاحبه ای از سوی علیرضا جمشیدی سخنگوی قوه قضاییه تأیید شده است.

سنگسار یا سایر مجازات های خشن و نانسانی در جمهوری اسلامی ایران بی سابقه نیست. ولی مقامات ایران و از جمله سخنگویان قوه قضاییه بارها اجرای آن را تکذیب کرده اند. در واقع، رئیس قوه قضاییه دست کم دوازده طی بخشنامه هایی در چند سال اخير اجرای آنها را منع کرده است. ولی ظاهراً این بخشنامه ها و اظهارات مقامات تنها برای ساکت کردن منتقدان و سازمان های حقوق بشری در سطح جهانی مصرف داشته است. و الا آقای جمشیدی در همین مصاحبه اظهار داشته است که این بخشنامه ها «تا تبدیل به قانون نشود» کاربرد عملی ندارد.

کمپین قانونی بدون سنگسار خبر داده است (۱) که هم اکنون دست کم ده نفر ديگر در زندان های مختلف کشور «با خطر قطعی سنگسار» روبرو هستند و مشخصات نسبی این افراد را آورده است. دو تن از این افراد که با حروف اختصاری از آنان یاد شده در زندان وکیل آباد مشهد به سر می برند. ظاهراً روحانیان حاکم بر دادگستری مشهد اشتباهی زیادی برای سنگسار دارند. علاوه بر پنج نفر اخير (سه نفر سنگسار شده و دو نفر در انتظار سنگسار) در اردیبهشت سال ۱۳۸۵ نیز دو نفر مخفیانه در گورستان بهشت زهراي مشهد سنگسار شده بودند. در این فاصله تنها یک سنگسار ديگر در سراسر کشور گزارش شده است که در خرداد ۸۶ در تاستان قزوین صورت گرفت. اجرای حکم سنگسار به خصوص به شیوه ای که در مشهد صورت گرفت از چند جنبه قابل توجه است. یکی نفس این مجازات که وحشیانه و نانسانی است. دوم جرایمی که به خاطر آن این مجازات صورت می گیرد. سوم چرا این کار مخفیانه صورت می گیرد و مقامات از اعلام خبر آن ابا دارند. چهارم، نقش رئیس قوه قضاییه و بخشنامه هایی که از سوی او در این باره صادر می شود. و پنجم، نحوه اجرای آن و امکان عملی فرار برخی از محکومان و عدم امکان فرار برای دیگران. به تک تک این موارد به صورت اختصار در این جا می پردازیم.

۱- سنگسار مجازاتی وحشیانه و نانسانی است. این مجازات متضمن شکنجه است و هدف آن وارد کردن هرچه بیشتر درد به محکوم است. چنین مجازاتی براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر و ملحقات آن که به امضای ایران رسیده و جمهوری اسلامی قانوناً متعهد به آن است منع شده و اجرای آن از این نظر جرم محسوب می شود. اجرای این مجازات لکه ننگی بر نظام قضایی ایران بشمار می رود و باعث شرمندگی ایرانیان در سراسر جهان شده است.

۲- سنگسار برای جرایم جنسی به کار گرفته می شود. روابط

بازنده جنگ غزه کیست؟

دکتر حسين باقرزاده سه شنبه ۱ بهمن ۱۳۸۷ - ۲۰ ژانويه ۲۰۰۹

اسرائیل، و سپس اعلام مشابهی از سوی حماس پایان گرفت. در این جنگ، هر دو طرف متخاصم ادعای پیروزی کردند. این ادعاها هر دو تا حدی درست است. هر دو طرف این جنگ می توانند بر روی ویرانی های غزه و تلفات سنگینی که بر مردم غیرنظامی غزه وارد شد خود را پیروز بنامند. ولی آیا این جنگ بازنده ای نداشت؟ برای پیدا کردن بازنده جنگ باید از صحنه جنگ بیرون رفت و آن را هزاران کیلومتر دورتر از غزه جستجو کرد.

جنگ خونین و فاجعه بار غزه پس از سه هفته و در آستانه تحلیف رییس جمهوری جدید آمریکا آقای اوباما به پایان رسید. مردم غزه این مدت را در زیر حملات سنگین شبانه روزی اسراییل با ترس و وحشت به سر بردند. جنگ بیش از ۱۳۰۰ کشته از مردم غزه، و از جمله سدها کودک و زن بی دفاع، بر جای گذاشت. علاوه بر آن، چندین هزار نفر ديگر زخمی و مجروح شدند. تلفات اسراییلیان در جریان این جنگ از ۱۴ نفر تجاوز نکرد. سرانجام نیز جنگ با اعلام یک طرفه آتش بس از سوی

مدرسه فارسی اندیشه

مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا



مدرسه فارسی اندیشه ارائه دهنده دوره های فارسی و دینی در مقاطع کودکستان، آمادگی و کلاس های اول تا ششم می باشد. همچنین کلاس های تطبیقی برای غیر فارسی زبانان در سنین نوجوان و بزرگسالان برگزار می شود، با برنامه های تفریحی، شامل جشن های فرهنگی، ملی و مذهبی.

مدرسه فارسی اندیشه با کادری با تجربه و دلسوز شامل امکانات آموزشی و تفریحی از جمله زمین بازی، امکانات ورزشی، قهوه خانه و کتابخانه، آماده خدمت به شما عزیزان می باشد.

محل کلاس ها هر شنبه از ساعت ۹:۳۰ صبح در مرکز اسلامی شمال کالیفرنیا برگزار می شود.

برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۷۶۰۰-۸۳۲-۵۱۰ تماس بگیرید

و یا به سایت www.icnc.org مراجعه نمایید.

1433 Madison Street, Oakland, CA 94612

بازار سالیانه کهریزک



فستیوال نوزوی

نوروز شاد باد

امسال گروه بانوان نیکوکار شمال کالیفرنیا بازار نوزوی خود را به نفع آسایشگاه خیریه کهریزک در دو روز برگزار میکنند.

شنبه ۱۴ مارچ و یکشنبه ۱۵ مارچ ۲۰۰۹
۹ صبح الی ۵ بعدازظهر

Quinlan Community Center
10185 N.Stelling Road
Cupertino, CA 95014-5700

کهریزک فاندیشن در آمریکا به ثبت رسیده و از معافیت مالیاتی برخوردار می باشد. لطفاً کمک های خود را در وجه Kahrizak Foundation و به آدرس زیر ارسال نمایید.

Kahrizak Foundation
P.O.Box 2911, Cupertino, CA 9501-2911